

تحلیل رمزگانی عناصر روایت در اشعار کودک سلمان هراتی

سید اصغر موسوی، دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

musavi.seyed@yahoo.com

اکبر شعبانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول) shabany_akbar@yahoo.com
بتول فخر اسلام، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد

اسلامی، نیشابور، ایران. Bt_Fam12688@yahoo.com

پروین دخت مشهور، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد

اسلامی، نیشابور، ایران. p_d_mashhoor@yahoo.com

چکیده

نشانه‌شناسی دانشی است که به مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای، فرایند تأویل و معنا و حقیقت پنهان در پس رمزاها، نشانه‌ها، نمادها و علائم می‌پردازد. این دانش در حوزه‌های گوناگون روابط بشری کاربردها و کارکردهای قابل‌توجهی دارد. ادبیات و از جمله ادبیات کودک از مهم‌ترین این حوزه‌هاست. پژوهش حاضر کوشیده است به روش تحلیلی-توصیفی، شعرهای

کودک سلمان هراتی را با بهره‌گیری از دیدگاه‌های رولان بارت (۱۹۷۴) تحلیل رمزگانی نماید. نتایج حاصله نشان می‌دهد که شعر هراتی به دلیل اشتغال بر زمینه‌های گوناگون از عناصر طبیعی و ایدئولوژیک، سرشتی بکر، ساده و صمیمی، مختصات برجسته‌ی زمانی و مکانی، گستره‌ی مضمون اجتماعی و گفتمان آرمانی، قادر است رمزگان‌ها و به تبع آن معنا و تأویل‌های گوناگون را تولید کند. این ویژگی‌ها اگرچه با توانش خواننده ارتباط مستقیم دارند، نشان می‌دهند که شعر هراتی در مواجهه با مکانیسم‌های تأویلی رمزگان‌ها و تحلیل سایر عناصر نشانه‌شناختی، ژرف‌ساخت معنایی ساختارمند و اندیشیده شده دارد. بینامتنیت عامل دیگری است که در فرایند نشانه معنانشناسی و تفسیر درون و برون‌متن، فضا و امکان بازتولید محتوا را برای خواننده فراهم می‌آورد. روایت در شعر سلمان به‌عنوان عامل یکپارچگی محور عمودی، رمزگان‌های متنوعی را تولید کرده است. نمود قابل توجه رمزگان‌های کنش‌روایی^۱، نمادین^۲ و هرمنوتیک^۳، نشانگر روایت‌مندی و ماهیت دلالت‌گر شعر او است. دلالت‌ها در شعر هراتی تداعی‌های عینی و شفافی را سبب می‌شود و فرامتن را به‌طور مؤثری در تأویل و تحلیل نشانه‌ها دخیل می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، روایت، رمزگان، شعر کودک، سلمان هراتی

۱. مقدمه

نشانه‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای و بررسی نحوه‌ی تعامل یا تقابل آن‌ها و پی‌افکندن سازوکار جدیدی در تأویل متن و فهم معنا، علم نوینی است که چنان‌که صفوی گزارش می‌کند «سوسور^۴ در اروپا با نام *semoiology* و پیرس^۵ در آمریکا با نام *semiotics* تقریباً همزمان باهم معرفی کردند، بدون این‌که شناختی از هم داشته باشند و

1 / proiretic

2 / symbolic

3 / hermeneutic

4 / Ferdinand de Saussure

5 / Charles Sanders Peirce

بدون این که بدانند آرای آنان در آینده چگونه تعبیر خواهد شد» (صفوی، ۱۳۹۳: ۳۲). نظرات این دو در طول یک قرن توسط اندیشمندانی دیگر مورد نقد، حک و اصلاح قرار گرفت. «یلمزلف^۶، یاکوبسن^۷، بارت^۸، کریستوا^۹ و بوردیا^{۱۰} سنت سوسوری را پی گرفتند و موریس^{۱۱}، ریچاردز^{۱۲}، آگدن^{۱۳} و سبئوک^{۱۴} راه نشانه‌شناسی پیرس را ادامه دادند» (سجودی، ۱۳۹۰: ۲). امروزه با گسترش ساحت یافته‌های این دانش، در آرای نشانه‌شناسانی همچون اکو^{۱۵} تلفیق دستاوردهای هر دوشاخه‌ی عمده‌ی نشانه‌شناسی را می‌توان دید.

فارغ از تفاوت‌ها و اختلافاتی که در تعریف مفاهیم و گستره‌ی نشانه‌شناسی وجود دارد. آنچه امروز به علم نشانه‌شناسی موسوم است از حوزه‌ی مطالعات زبانی گذر کرده و به مبنایی برای تحلیل در زمینه‌های گوناگونی از زندگی بشر تبدیل شده است. نشانه‌شناسی نظرگاهی نوین را ایجاد کرده است تا با بحث پیرامون موضوعات گوناگونی همچون «ویژگی‌های ارجاعی و معنایی پدیده‌ها، نفی ذهنیت، رابطه کارگزار و ساختار، بازنمایی واقعیت، متن-وارگی و تأویل پدیده‌ها، رشد فرهنگ توده‌ای، جهانی شدن، تحلیل طبقات اجتماعی، تفاوت و شکاف‌های فرهنگی - گفتمانی، سیر تطور و تحول گفتمانی و ...» (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۲)، اصول حاکم بر این پدیده‌ها و نیز واقعیت پنهان موجود در پس آن کشف گردد. اکو در کتاب «نشانه‌شناسی» خود با ارائه‌ی مدل یلمزلف (۱۹۴۳) همانند شکل شماره ۱ در پایین، نقش نشانه‌ای را رابطه قراردادی میان بیان و محتوا می‌داند و تأکید می‌کند که عناصر محتوا، خود ساخته و پرداخته‌ی فرهنگی معین هستند و بنابراین، در وهله‌ی نخست به واحدهای فرهنگی برمی‌گردند (اکو، ۱۳۷۸: ۲۰).

شکل شماره‌ی (۱) مدل پیشنهادی یلمزلف برای نقش نشانه‌ای

-
- 6 / Louis Trolle Hjelmslev
 - 7 / Roman Jakobson
 - 8 / Roland Barthes
 - 9 / Julia Kristeva
 - 10/ Jean Baudrillard
 - 11 / Charles William morris
 - 12 / I. A. Richards
 - 13 / Charles Kay Ogden
 - 14 /Thomas A. Sapiuk
 - 15 / Umberto Eco

ماده	
جوهر	محتوا
صورت	

صورت	بیان (لفظ)
جوهر	

ماده

آلگونه جونقانی در جمع بندی آرای اکو درباره چگونگی دریافت معنای متن می گوید:
 «اکو در موضوع تأویل اثر، نیت نویسنده، نیت متن و نیت خواننده را از هم متمایز می داند.
 او معتقد است که آنچه معنای متن را رقم می زند. استراتژی پیچیده ای از تعاملات خواننده
 با متن است. این استراتژی متکی بر توانش خواننده در برخورد با زبان به مثابه گنجینه ی
 اجتماعی است» (آلگونه جونقانی، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰).

شعر کودک به معنای اعم؛ یعنی آنچه برای کودک و درباره ی کودک سروده شده، در واقع دو
 دنیای متفاوت، یعنی دنیای شعر و دنیای کودک را باهم تلفیق می کند. شاعر را به دوران کودکی
 می برد و اندیشه و احساس او و آنچه که دیروز و امروز بر کودک درونش گذشته را بازتاب
 می دهد. این پژوهش مؤلفه های نشانه شناسی را در شعر کودک سلمان هراتی به ویژه در حوزه ی
 روایت و رمزگان های روایی با بهره گیری از آرا و نظرهای بارت بررسی نموده است و همزمان
 به واسطه ی جستجوی برداشت ها و یا معانی جدیدی در شعر این شاعر، کوششی در راستای
 شعرشناسی و دانش ادبیات نیز می تواند باشد. پرسش های ذیل مبنای پژوهش حاضر هستند:

- آیا تحلیل رمزگانی به عنوان یک روش نشانه شناسی می تواند قراردادهای پنهان در شعر
 هراتی را کشف و ارائه کند؟
- کارکرد رمزگان های کنشی و هرمنوتیک به عنوان منطق، سیرتحوالات و چهارچوب
 روایت و رمزگان های معناشناسانه، نمادین و فرهنگی در تولید معنا در شعر هراتی
 چگونه است؟

۲. تحلیل رمزگانی

رمزها در نشانه‌شناسی^۱ مبنای تولید دلالت‌های متنی هستند و بازگشایی آن‌ها به دریافت معنای متن منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر رمزگان حلقه‌ی اتصال متن و فرهنگ و نیز مواد اولیه تولید روایت^۲ است و نشانه‌ها در فرایندی که در ارجاع به نظام رمزگانی طی می‌کنند معنادار می‌شود. این فرایند که تعامل پیچیده‌ی متن و خواننده را رقم می‌زند، دگرگونی و زایش رمزگان‌ها را به دنبال دارد. در این فرایند آن‌گونه که سجودی می‌گوید:

«رمزگان‌ها در حکم نهادهایی عمل می‌کنند که - چه از وجودشان آگاه باشیم یا نه- به تعدیل، تعیین و از همه مهم‌تر تولید معنی می‌پردازند. در نتیجه هر متنی چنان‌چه به درستی تحلیل شود نه بازتاب واقعیت، بلکه تولیدکننده و تکثیرکننده‌ی واقعیت است» (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

تحلیل رمزگانی به عنوان یک روش نشانه‌شناختی سازوکاری است که قراردادهای پنهان در متن را کشف و ارائه می‌کند. این روند در متن ادبی و به ویژه شعر و البته نه آنچه به ادبیات داستانی موسوم است، مسیر خاصی را طی می‌کند. شعر از سویی محل نمود ویژگی‌های زبانی است و از سوی دیگر به دلیل اشتغال بر فنون بلاغی در مسیر انتقال معنا فرایندهایی را شامل می‌شود که بر تولید معانی ضمنی^۳ استوار هستند و علاوه بر تولید لذت ادبی، در دو ساحت احساس و ادراک نیز اثرگذارند. فراتر از این، آن‌گونه که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) می‌گویند: فنون بلاغی (که خود نهادهایی فرهنگی هستند) ما را به شیوه‌های غالب تفکر در جامعه پیوند می‌زنند (سجودی، ۱۳۹۰: ۵۴). در یک ساحت گسترده‌تر، به باور چندلر^۴ (۲۰۰۲)، فنون بلاغی صرفاً با چگونگی اندیشه‌ها سروکار ندارند؛ بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیرگذارند (همان: ۵۳). رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت از جمله الگوهای کارآمد تحلیل رمزگانی هستند.

۳. نظام رمزگانی بارت

¹ / semiotics

² / narrative

³ / Connotative meaning

⁴ / chandler

رولان بارت منتقد ادبی و نشانه‌شناس معروف فرانسوی (۱۹۷۰)، در کتاب «اس/زد»^۵ فرایندی برای تحلیل متن ارائه کرده و آن را در تحلیل داستانی کوتاه از بالزاک متعلق به ادبیات رئالیستی فرانسه به نام «سارازین» به کار گرفته است. به گفته‌ی هاوکس (۱۹۷۷: ۱۱۶)، هدف بارت آن است که ماهیت دلالتگر کلی متن را نشان دهد (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). بر اساس نظریه‌ی بارت هر متنی از تلفیق رمزگان‌های کنش روایی، معناشناسانه^۶، فرهنگی (ارجاعی)^۷، هرمنوتیک و نمادین خلق می‌شود. وی چند سال پس از انتشار «اس/زد» رمزگان اعتباری را نیز به مجموعه‌ی رمزگان‌های خود افزود (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۰-۲۴۱). بارت در فرایند تحلیل رمزگانی ابتدا داستان را تقطیع می‌کند و سپس به تحلیل دال‌های متنی بر اساس پنج رمزگان می‌پردازد (ر.ک: سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

۱,۳. رمزگان کنش روایی

این نوع رمزگان معطوف به کنش‌ها و اثرات آنها و نشانگر مجموعه‌ای از کنش‌ها یا توالی‌های کوچکی است که کل روایت را پیش می‌برد. «این رمزگان با زنجیره‌ی رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن یا گردآوردن اطلاعاتی که روایت به ما می‌دهد، ثبت می‌شود و نامی به خود می‌گیرد» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

۲,۳. رمزگان هرمنوتیک

منظور از رمزگان هرمنوتیک، معماهای یک متن است. «بارت این رمزگان را الگوی پلیسی داستان می‌داند» (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) و در تبیین آن می‌گوید:

طرح سؤال و پاسخ به آن سؤال و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند؛ یا حتی معمایی را طرح کنند و ما را

⁵ S/Z

⁶ /Semic

⁷ /Referential

به‌سوی راه‌حل آن رهنمون کنند (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) در این رمزگان رخ می‌دهد. حتی عنوان اثر می‌تواند معمایی باشد که خواندن و یا تحلیل اثر، آن را می‌گشاید.

۳,۳. رمزگان معناسانسانه

این رمزگان به دلالت‌های کمابیش خصلت‌نما، روان‌شناختی و محیط مرتبط می‌شود (احمدی: ۱۳۸۸: ۲۴۰). رمزگان معناهای ضمنی است و به همه دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود که خصوصیت‌های شخصیت‌ها یا کنش‌ها را می‌سازند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). به‌عبارت‌دیگر، این رمزگان دلالت‌های شخصیت، مکان یا یک شیء است (بارت، ۱۳۷۸: ۲۰). از آنجایی که این رمزگان به‌واسطه‌ی توصیف اشیاء مادی، فعال کردن اشیاء غیرمادی را در ذهن دنبال می‌کند، به مخاطب این امکان را می‌دهد که معنا و درون‌مایه‌ی داستان را در ساحت نمادها و نشانه‌ها دریافت کند.

۴,۳. رمزگان نمادین

این رمزگان به الگوهای تضاد و تقابل مربوط است. چنان‌که احمدی می‌گوید: منطق این رمزگان از منطق هرروزه، آشنا، استدلالی و تجربی جداست. همچون منطق رؤیاست. زمان توالی و جانشینی رخدادها نامعلوم است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). رمزگان زمانی نمادین می‌شود که «مفهومش، تناظری تقابلی با مفهومی دیگر در متن داشته باشد» (کریمی، ۱۳۹۴: ۴۰۱). بارت در مورد رمزگان نمادین تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای دارد: ۱/ موارد مربوط به نظریه‌ی بیان و نظریه‌ی ادبی ۲/ موارد مربوط به زندگی اقتصادی (مثلاً نقش طلا در داستان) ۳/ موارد مربوط به روان‌شناسی (مثلاً اشارات مربوط به جسم آدمی در داستان)؛ اما این سه بر هم سلطه ندارند، هرچند موارد مربوط به دسته‌ی سوم آشکارتر به چشم می‌آیند (ر.ک: احمدی ۱۳۸۸: ۲۴۱).

۵,۳. رمزگان فرهنگی (ارجاعی)

این رمزگان نسبت به سایر رمزگان‌ها از فراگیری و جامعیت بیشتری برخوردار است. تأویل رویدادهای روزمره، تجربه‌های دوران زندگی، جهان‌بینی، فرهنگ و طرز تفکر شاعر و سایر شخصیت‌ها در روایت و یا آنچه شاعر می‌خواهد در قالب پیام منتقل کند را می‌توان از طریق

این رمزگان به بررسی گرفت. کوارد و آلیس (۱۹۸۸) در مقاله‌ای در تشریح مفاهیم کتاب اس/زد می‌گویند:

«رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن است به بیرون، به دانش عمومی. اگر آن را نظامی از ایده‌ها تلقی کنیم. درهم بافته شدن مرجع‌ها در این رمزگان، حس واقعیت را در کتاب به وجود می‌آورد، زیرا خود این افکار، باورهای طبیعی و موجه فرهنگی هستند. این‌ها را همگان به‌طور طبیعی می‌دانند» (سجودی، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

رمزگان‌های بارت به خواننده فعال این امکان را می‌دهد که پدید آمدن معنا و چگونگی آنچه بارت فروپاشیدن متن می‌نامد را درک کند. بارت در تحلیل رمزگانی بیش از هر چیزی چگونگی معنازایی^۸ را دنبال می‌کند. طبقه‌بندی بارت که در خوانش شعر کودک سلمان هراتی طرح خواهد شد، دو کارکرد عملی دارد.

۱. رمزگان در آثار بارت الگویی از دانش فرهنگی و یا زبان‌شناختی است که تاروپود روایت را تشکیل می‌دهند. روایت، آمیزه یا به هم تنیدگی‌ای از رمزگان‌ها خواهد بود و واحدی یگانه در درون روایتی می‌تواند بر اساس یک یا چند رمزگان دلالت‌مند شود (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۴۹۹).

۲. این طبقه‌بندی «تفاوت انواع رمزگان را از نظر عمق معنایی و میزان ارتباط کلام با مفاهیم خرد اما فرهنگ‌ساز جامعه، همچنین میزان درونی یا بیرونی بودن ارجاعات و امکانات تأویلی متن، مشخص می‌سازد» (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۹۴).

۴. روایت

ارسطو در رساله‌ی فن شعر و در یک تعریف ساده و روان، هر چیز داستان‌گونه‌ای را که دارای «آغاز، واسطه و نهایت باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵) روایت می‌داند. مقصود از روایت تنها

⁸ /significance

گونه‌ی ادبی داستان یا رمان نیست. فراگیری این مفهوم تا آنجاست که فلادرنیک^۹ (۲۰۰۶: ۱) می‌گوید: روایت در همه‌جا پیرامون ما قرار دارد (صفیعی، سلامی، ۱۳۹۰: ۷). دنیس^{۱۰} (۲۰۰۴) به دو عنصر رابطه‌ی منطقی بین رویدادها و نیز توالی آن‌ها نیز اشاره می‌کند (صفوی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). تولان^{۱۱} (۲۰۰۱) می‌گوید: روایت توالی رویدادهایی است که به شکل غیر تصادفی و با پیوندی سببی و زمانی به هم اتصال یافته‌اند (محمدی فشارکی، خدادادی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). تودورف^{۱۲} این مؤلفه را بر سه بعد محتوا، نحو و کلام استوار می‌داند. او دو واحد بنیادی یعنی گزاره^{۱۳} و توالی^{۱۴} را در ساختار روایت از هم متمایز می‌کند. واحدهای گزاره، همان اجزای کلام هستند و گزاره و توالی به ترتیب، نقش جمله و بند را دارند. بر این اساس، شخصیت‌های روایت در حکم اسم، خصلت‌هایشان در حکم صفت و اعمالشان در حکم فعل خواهند بود (رک: سجودی، ۱۳۷۷: ۲۳۰). آن‌گونه که ریچاردسن^{۱۵} (۱۹۹۰: ۱۱۸) می‌گوید: می‌توان روایت را هم یک شیوه‌ی استدلال و هم یک شیوه‌ی بازنمایی جهان پیرامونی به حساب آورد که انسان‌ها می‌توانند در قالب آن جهان را درک کنند و درباره‌ی جهان سخن بگویند (آسابرگر، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

۵. پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات و تحقیقات نشانه‌شناختی در حوزه‌ی شعر کودک و نوجوان در آثار و مقالات فارسی از تعداد قابل توجهی برخوردار نیست. از میان آثاری که می‌توان به این پژوهش مرتبط دانست، مدنی و خسروی شکیب (۱۳۸۸) به موسیقی زبانی، بیرونی بودن زبان، شخصیت‌پردازی، محیط‌گرایی و یکپارچگی معنا در زبان شعر کودک پرداخته و در کنار توجه به نقش برجسته‌ی عناصر موسیقایی بر بهره‌گیری از نشانگان ساده و ارجاعی زبان در تولید کنش تصویری تأکید می‌کنند. عابدی و همکاران (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی شعر سلمان هراتی را در کنار سه تن از شاعران فارسی‌زبان و چهار تن از شاعران فلسطینی بررسی کرده و با کمک رهیافت‌های نشانه‌شناسی و

⁹ / Fludernik

¹⁰ / Danesi

¹¹ / Michael Toolan

¹² / Tzvetan Todorov

¹³ / proposition

¹⁴ / sequence

¹⁵ / Laurel Richardson

توصیف و تحلیل متن، لایه‌های فکری موجود در آثار این شاعران را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند. گرجی و همکاران (۱۳۸۹) به مدد مباحث پدیدارشناسی در راستای کشف مجموعه‌ی دستگاه فکری هراتی بدون توجه به محتوای آثار و تنها از طریق عنوان اشعار وی، به این نتیجه رسیده‌اند که انسجام و پیوندی استوار بین عنوان و اندیشه‌ی حاکم بر اثر قابل مشاهده است. این آثار فاقد الگوی مشخص برای تحلیل دستاوردهای تحقیق بوده و نویسندگان با رویکردی تلفیقی اثر خود را سامان داده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که به‌طور خاص، شعر کودک سلمان هراتی مورد پژوهش نشانه‌شناختی قرار نگرفته است و این پژوهش برای نخستین بار در این ساحت تلاش می‌کند.

۶. نشانه‌شناسی شعر کودک سلمان هراتی

سلمان هراتی شاعری است که از آغازین روزهای کودکی، رنج‌های بزرگسالان را بر روح و دوش خود حس کرده است. وی در دفتر شعری «از این ستاره تا آن ستاره» به کودکان و نوجوانان نظر داشته و در سایر آثار خود نیز مضمون‌های مرتبط با این ساحت ادبی را طرح کرده است. از مجموع ۱۷۵ شعر سلمان هراتی ۱۷۱ مورد آن عنوان دار هستند. ۲۵ عنوان از اشعار وی که در جدول ذیل آمده را می‌توان در زمره‌ی اشعار کودک و نوجوان وی قرار داد.

ردیف	عنوان شعر	دلالیت	ردیف	عنوان شعر	دلالیت
۱	جریمه	توصیف	۱۴	فردا	زمان
۲	آب در سماور کهنه	توصیف	۱۵	قصه‌ی بازگشت پدر	توصیف - زمان - شخصیت
۳	نیایش واره- ی ۱۵	توصیف	۱۶	جبهه به‌علاوه تو	مکان - شخصیت

توصیف	پیام	۱-۷	توصیف- شخصیت	تدفین مادر بزرگ	۴
شخصیت	سرو کوچک	۱۸	توصیف- مکان	حکایت جنگل	۵
مکان- شخصیت	جای احمد	۱۹	توصیف- شخصیت	دفتر نقاشی من	۶
مکان- توصیف	از این ستاره تا آن ستاره	۲۰	زمان	صبح	۷
توصیف	برادری	۲۱	توصیف- زمان	امتحان نهایی	۸
توصیف	لک لک سپید	۲۲	توصیف	دستور	۹
توصیف- شخصیت	ای جویبار	۲۳	زمان	زنگ انشا	۱۰
توصیف	پرنده‌گان می آیند	۲۴	توصیف	خاطره	۱۱
توصیف	واقعه	۲۵	مکان	حجله‌ی سرخ	۱۲
			مکان- شخصیت	از کوچه‌ی ما	۱۳

عنوان و متن در شعر هراتی، دوگانه‌ای هستند که دلالت واحدی دارند. علاوه بر این، عنوان به‌تنهایی عامل اصلی جذب مخاطب و کلیدی برای تأویل متن نیز خواهد بود. شاعر با انتخاب این عنوان‌ها علاوه بر تولید بار مثبت فراوان و تلاش برای جذب مخاطب، رمزگشایی از

انگاره‌های ذهنی خود را نیز تحقق بخشیده است. نظام دلالت در عنوان‌های شعر کودک سلمان عبارت‌اند از: زمان، مکان، شخصیت و توصیف. شعر سلمان را می‌توان خودنگاره‌ای ساده، صمیمی و واقعیت محور از شاعر دانست. از میان دلالت‌های گوناگون عناوین شعر درباره‌ی کودک هراتی، زمان و مکان در عنوان‌هایی همچون «صبح»، «قصه‌ی بازگشت پدر»، «حکایت جنگل»، «تدفین مادر بزرگ»، «جای احمد»، «سرو کوچک» و «از کوچه‌ی ما» خصوصیات یادمانه-گون (نوستالژیک) دارند. توصیف در دلالت‌های شعر سلمان هراتی در اسامی عام و ترکیبات وصفی و اضافی، استعاره‌گونه است. واژه‌هایی از جمله، پیام، خاطره، ای جویبار، لک‌لک سپید، در سرشت خود، چه در حوزه‌ی نمادشناسی و چه در تلقی عام از واژه، به تأویل‌های گوناگونی می‌توانند منجر شوند.

روایت و حضور پیرنگ آن در شعر سلمان، دوره‌ها و ساحت‌های گوناگونی از زندگی فردی و اجتماعی کوتاه‌مدت شاعر را بازتاب می‌دهد. ذهن فعال شاعر در حوزه‌های دین و مذهب، گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مناسبات جهان سنتی و مدرن، عرفان و نظایر آن به مفهوم‌سازی پرداخته است.

۱.۶. رمزگان کنش روایی

داستان حاصل جمع کنش‌های پی‌درپی شخصیت‌هاست. بازگشت به دوران کودکی و بیان رنج‌ها، نابرابری‌ها و توصیف آن‌ها، تصویر کودک روستایی در محاصره‌ی موجی از ناملایمات، بیان خاطرات و توصیف جنبه‌های مثبت و منفی آن، بیان فکر و احساس کودکانه، معرفی ریشه‌ی محنت‌های روستا، بیان نظام حاکم بر روابط اجتماعی و شرح چشم‌اندازها و آرزوهای دوران کودکی، مضمون‌های عمده‌ی بخشی از شعر کودک سلمان است و به‌گونه‌ای پیرنگ روایت‌های شعری او را رقم می‌زند. این روایت‌ها در ساحت گسترده‌ای با واقعیت‌های دوران کودکی شاعر پیوند دارند. شعر «آب در سماور کهنه» مجموعه‌ای غنی، عینی و قابل تجسم از کنش روایی است.

من نبودم/ مادرم یتیم شد/ من نبودم/ درختان، بی شکوفه نشستند/ من نبودم/ گنجشک‌ها برگ و بارشان را بستند/ و از بهار گذشتند/ من نبودم/ نارنج‌ها از درخت به زیر افتادند/ انجیرها از تراکم درد ترکیدند/ ارباب صبحانه‌ای لذیذ از انجیر خورد (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

این شعر سی‌ودو کنش روایی را ترسیم کرده است. رویدادها و توالی آنها روایت را به پیش می‌برند. ارباب و تمام کسانی که دستورات او را بی‌چون‌وچرا انجام می‌دهند، مادر، ملوک و کودک - که روای ماجرا نیز هست - شخصیت‌های این روایت‌اند. مکان و زمان اگرچه در گفتار روای مشخص هستند اما به تمامی مکان‌ها و زمان‌هایی که نظام ارباب و رعیتی در آن جاری بوده و هست امکان تعمیم دارد. عبارت «من نبودم» که گویا تأکیدی بر زمان است در ساختاری گذشته‌نما^{۱۶} به گونه‌ای بستر و مقدمه‌چینی شاعر برای طرح روایت است، در این شعر شش بار تکرار شده و در پایان شعر به عبارت «من شاعر نبودم» تبدیل شده است. کشمکش‌های میان ارباب، ملوک و مادر، کشمکش‌های کودک روای با خود و مادر و نیز کشمکش‌های مادر با خود، کوتاه اما مؤثر در روایت به چشم می‌خورند. به‌طور کلی شکل چینش عناصر روایت حتی چاشنی طنزی که با پیوستن واژه‌ی «نانجیب‌زاده» به ملوک تولیدشده، اطلاعات خواننده را تا حدود زیادی تأمین می‌کند. حضور استعاره‌های مفهومی، کهن‌الگوها و نمادها نیز در تولید معنا و دلالت‌های ضمنی به وضوح دیده می‌شود که البته در رمزگان‌های دیگر قابل بررسی است. بنابراین ساختار و پیرنگ کاملاً آشکاری را در روایت می‌توان دید و این روند در سایر اشعار کودک سلمان نیز تا حدود زیادی قابل تطبیق است.

۲,۶. رمزگان هرمنوتیک

این رمزگان طرح پرسش و یا معماهای متن را بر عهده دارد. «آب در سماور کهنه» شعری است که در عنوان معماگونه است. علاوه بر این کنایه‌هایی از قبیل «آب بر خاکستر ریختن» «خلوت ارباب را پر کردن» و «بچه‌های خاکستری» که در این شعر به کاررفته است حاوی برخی از پرسش‌های این روایت‌اند. معما و کشف آن در این رمزگان با دو شگرد تعلیق روایی و خلأ هرمنوتیک همراه است. «تعلیق روایی حاصل روندی است که بارت آن را تأخیر نام نهاده است»

¹⁶ / flashback

(کریمی، ۱۳۹۴ : ۳۹۴). زمان در نشانه‌شناسی، در واقع زمان روایت است که البته خود تقسیماتی نیز یافته است.

گونتر مولر^{۱۷} (۱۹۶۸) زمان روایت را شامل زمان کنش روایت، زمان متن و زمان زندگی می‌داند. زمان کنش روایت زمان گاهنامه‌ای و مدتی است که صرف خواندن اثر می‌شود. زمان متن گزیده‌ی سال، ماه، روز، دقیقه‌ها و ساعت‌های داستان است و زمان زندگی، زمان راستین رخدادهایی است که زمان متن، چکیده‌ی آن‌ها را فراهم می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۴۹).

شعر هراتی گاهی در گذشته‌ای جریان دارد که دست‌نیافتنی است. گاه بر زمانی دلالت دارد که گونه‌ای پیوستگی و حتی جاودانگی را می‌توان در آن دید. گاه نیز آینده، عنصر اصلی زمان شعر اوست. نمود گذشته در شعر کودک سلمان، گاه ماهیتی یادمانه‌گون (نوستالژیک) دارد. در این یادمانه‌گونه‌ها شهید، روستا، مدرسه و طبیعت، درون‌مایه‌ها و موضوع‌های مرکزی (موتیف) هستند. «قصه‌ی بازگشت پدر» چارپاره‌ی نسبتاً بلندی از تلفیق یادمان‌گونه‌ی این درون‌مایه‌ها است و با نوعی مقدمه‌چینی و براعت استهلالی کوتاه و تعلیق روایی (تأخیر)، معمای انتظار و بازگشت را با تشبیه و استعاره‌هایی زودبای روایت می‌کند. اگرچه شاعر، رمزگان‌های دیگری را برای آشکار شدن خط روایی در شعر مطرح کرده است، کشف معما و تأویل‌های گوناگون آن همچنان بر عهده‌ی خوانند است.

آه این اشک از کجا آمد / گونه‌ی خواهر مرا تر کرد / مادر من چه شد چرا امروز / روسری سیاه بر تن کرد؟ (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۸۲)

در این شعر عناصر طبیعی همچون ابرها، آسمان، نسیم، درخت، بهار و ... که خود نیز حامل پرسش‌هایی در این روایت هستند، به گونه‌ای پیکر شهید را در برگرفته‌اند که تلخی و درعین حال شیرینی آن زمان خاص را برای کودک روستایی (شاعر) به صورتی ملموس تداعی می‌کنند.

شگرد دیگری که در تولید رمزگان هرمنوتیک به کار می‌رود خلأ هرمنوتیکی^{۱۸} است. در این شگرد با ایجاد خلأ، ذهن مخاطب با متن درگیر شده و تفسیر، تعبیر و یا تأویل‌های بیشتری را در ذهن خواننده رقم می‌زند. نمونه‌ی این شگرد را در مثنوی «حکایت جنگل» می‌توان دید. در

¹⁷ /G. muller

¹⁸ / hermeneutic gap

این شعر تعلیق و ایجاد خلأ هرمنوتیکی از خط آغازین و با عباراتی که حاکی از مرگ جنگل است شروع می‌شود.

بیشه در دست عطش می‌مرد/ باد نعش برگ را می‌برد/ جنگل از اندوه می‌نالید/ شاخ و برگ تشنه می‌بارید (همان: ۳۴۱).

کاری که شاعر در برانگیختن اشتیاق مخاطب و به تبع آن درگیری بیشتر ذهن او آغاز کرده است با گسترش دامنه‌ی آگاهی‌های مخاطب از طریق تولید رمزگان‌های دیگر و نیز با تکرار تصاویری از قحطی، خشک‌سالی، خمودگی و مرگ با این بیت ادامه می‌یابد که:

سال‌ها تکرار شد این غم/ پشت جنگل زین حکایت خم (همان: ۳۴۲).

شاعر در ادامه این شعر با فراخوانی نمادهایی همچون کوه، سرو، صنوبر و سپیدار اسطوره‌هایی همچون آسمان و باران، کهن‌الگوهای مانند آب، زایش و استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی همچون مفاهیم مربوط به سفر و جنگل، تقابل رنگ زرد که نشانه‌ی پاییز، «فرسودگی، خستگی، ملال، آزدگی، بیماری، کهنگی، عدم تکامل، خامی و مرگ است» (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۵) با رنگ سبز که در نگاه سلمان از صمیمیت، دوست داشتن، زیستن و امید خبر می‌دهد در شعری که در لایه‌ی آشکار خود چرخه‌ی آب را برای کودکان تصویر می‌کند و پرسش‌هایی که هر یک از آن‌ها تولید می‌کنند، طیف وسیعی از مفاهیم ضمنی را در معرض کشف قرار داده است. خلأ هرمنوتیک دیگر مربوط به قرائت لایه‌های نمادین این شعر است که با بهره‌گیری از مفاهیم ذکر شده و متناسب با ساختارهای فکری هراتی و موقعیت زمانی سرایش شعر، انقلاب را روایت می‌کند.

۳,۶. رمزگان معناشناسانه

شخصیت‌پردازی به عنوان کارکرد رمزگان معناشناسانه باید بتواند بین متن و زمینه‌های فرهنگی آن ارتباط پیوسته و معناداری را برقرار می‌کند. «آب در سماور کهنه» که بخش‌هایی از آن ذکر شد، نمونه‌ی موفق از روایت‌مندی متن است. شخصیت در این شعر به واسطه‌ی تولید رمزگان معنایی متعدد به جامعیت می‌رسد و توانایی بیشتری برای تبدیل شدن به تیپ و رونمایی از مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌یابد.

همیشه‌های نیم‌سوخته/ «کله چال» را از آتش می‌انباشتند/ و ارباب کاهنی بود/ که با همیشه‌های نیم‌سوخته/ به تأدیب مادرم برمی‌خاست/ ارباب کاهنی بود/ که سرنوشت مادرم را پیشگویی می‌کرد/ و «ملوک» نانجیب‌زاده/ که خلوت ارباب را پر می‌کرد/ آب را بر خاکستر می‌ریخت (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۲).

ارباب در این قطعه شعر کاهنی بی‌رحم، زورگو، قدرتمند و هرزه است و در ادامه شعر نیز رمزگان‌های دیگری به آن اضافه می‌شود. در مقابل وی مادر، شخصیتی مظلوم، مستأصل و موردحسادت دارد و سلمان در ادامه شعر رمزگان‌های بسیار متفاوتی را نیز به این شخصیت می‌افزاید. در این شعر طیفی دیگر هم حضور دارند که در شناسه‌ی فعل «می‌انباشتند» به آنها اشاره شده‌است. این طیف دچار اختلالی هستند که بر اساس آن برخلاف دانسته‌ها و توانایی‌های ذهنی و جسمی خود، اراده‌ی شخصی ندارند و هر آنچه را ارباب اراده کند می‌پذیرند. سلمان در تشریح بعد دیگر شخصیت مادر می‌گوید:

مادرم از مزرعه که برمی‌گشت/ سبدهش از دوبیتی سرریز بود/ آسمان تنها دوست مادرم بود/ مادرم ساده و سبز مثل «ولگان» بود (همان: ۱۱۲-۱۱۳).

«شخصیت به‌نوبه‌ی خود تکیه‌گاه و سمت‌وسو دهنده‌ی به رمزگان‌های معنایی است که پس از آن در متن حضور خواهند یافت» (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۹۶). بر این اساس کیومرث خان (ارباب) به‌عنوان یک تیپ اجتماعی مطرح است. مادر با همین توصیف، نماینده قشر رعیت است اما همان‌طور که در شعر مشاهده می‌شود، ورود نمادها و کهن‌الگوها به ساحت شخصیتی مادر، بعد فردیت بخش او را از حد آگاهی‌های مشترک نویسنده و مخاطب (به‌عنوان یک تیپ اجتماعی) فراتر برده است. شخصیت کودک (راوی) نیز دارای همین مختصات است. ورود کودک به متن روایت به‌عنوان شخص حقیقی، تحلیل‌های مرتبط با رمزگان اعتباری را نیز به دنبال دارد. این روند در ادامه شعر و در شعرهای دیگر سلمان ادامه می‌یابد و رمزگان‌های معنایی در بستر ارتباط متن و زمینه‌های فرهنگی، شخصیت را به‌گونه‌ای می‌آفریند که همان‌طور که می‌گوید «خواننده می‌تواند خود را با آن تطبیق دهد» (اسکولز، ۱۳۷۷: ۲۲).

در ساحت معانی ضمنی، عبارت «من نبودم» نشان می‌دهد که راوی از زمانهای دور و آنچه بر خانواده‌اش گذشته است اطلاعات مبهمی دارد. از زمستان و به‌ویژه با یادآوری گفتار مادر:

ای کاش گرگ‌ها مرا می‌بردند/ ای کاش گرگ‌ها مرا می‌خوردند (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

این ابهام تا پایان شعر ادامه می‌یابد و معما گشوده نمی‌شود. مادر در چنان تنگنایی قرار دارد که در مقایسه با گذشته دور خود و آن زمستانی که کودکان روستا در خطر ربوده شدن توسط گرگ‌ها بوده‌اند، آن زمستان دور را ترجیح می‌دهد. گویا روایت در تشریح شخصیت ارباب از گرگ‌ها کمک گرفته است. واژه‌ی سرنوشت نیز علاوه بر معانی ضمنی که در ابهام ذاتی خود به همراه دارد، می‌تواند به‌تمامی شخصیت‌های روایت مذکور تعمیم بیابد. گیاهان و جانورانی که در این شعر از آنها سخن به میان آمده نیز هر یک در جای خود واجد مفاهیم ضمنی هستند. قورباغه‌ها، لاک‌پشت‌ها و حتی آسمان که تنها دوست مادر است به‌گونه‌ای ضمنی، تنهایی راوی و مادرش را حکایت می‌کنند و انجیرها که از تراکم درد ترکیدند (همان: ۱۱۱) از سویی گویای دوران دشواری‌هایی هستند که بر این طبقه از جامعه روستایی رفته است و از سوی دیگر طبقه‌ای از جامعه را معرفی می‌کند که بی‌هیچ رنجی دسترنج این انسان‌های ضعیف را یکجا خورده‌اند. وجه دیگر حضور طبیعت در شعر از عاطفه‌ی قوی کودک و مادر حکایت می‌کند. تنهایی‌های آنان را پر می‌کند و به آنان آرامش می‌دهد.

تقابل درختان و بی‌شکوفگی، کاهن و آتش، سنگینی و اشک، توالی خوابیدن، شیرخوردن و گریه کردن نیز واجد معانی ضمنی هستند.

من با «امیرگته‌یا» خوابیدم/من با «امیرگته‌یا» شیر خوردم/من با «امیرگته‌یا» گریه کردم (همان: ۱۱۳-۱۱۲).

«امیرگته‌یا» آن‌گونه که کودک روای می‌گوید بعد از آسمان و در نگاه وسیع‌تر طبیعت، تنها پناهگاه او و مادرش است. آمیزه‌ای از باورهای عامیانه و بومی، سرگذشت دهقانان و کشاورزان، افسانه‌های عاشقانه، امثال‌وحکم و اعتقادات مذهبی و به‌ویژه ارتباطی که با علی (علیه السلام) در این اشعار تغزلی وجود دارد و سبب مادر از این دویستی‌ها لبریز است، تحلیل شخصیت مادر و کودک را می‌تواند وارد مرحله‌ای جدید نماید. به‌ویژه این‌که شاعر در پایان شعر تصریح می‌کند که:

من شعرهای ناسروده‌ی مادرم را می‌گویم / من نبودم / من شاعر نبودم / مادرم یتیم شد (همان: ۱۱۳).

توجه شاعر به واژه‌ی یتیم نیز در فراخوانی معانی ضمنی نقش زیادی دارد. وجوه متعدد و روایت‌های گوناگونی که می‌تواند در اصل این واژه پنهان باشد و نیز کشمکش‌هایی که مادر و کودک روایت حاضر، در بوته‌ی آن قرار دارند. شاید یتیم شدن مادر سرآغاز این رنج‌ها بوده و دیگری که در این روایت حاضرند و به‌گونه‌ای صریح و هدفمند و با ستمگری و فشار فراوان زندگی این دو را در تنگنا قرار داده‌اند، طرف دیگر ماجراهایی هستند که پس از یتیم شدن مادر رخ داده است. بار معنایی دیگر واژه‌ی یتیم به بینامتنیت قرآن کریم ارتباط می‌یابد. شعر هراتی از جهت اشتغال بر بینامتنیت دینی و مذهبی غنای فراوان دارد.

۶. ۴. رمزگان نمادین

در شعر سلمان، نماد عرصه‌ی عمل قابل توجهی داشته و می‌تواند دریچه‌ی جدیدی به معنای شعر او باز کرده و معبر گسترده‌ای به جهان درون این شاعر ایجاد نماید. یادم آمد / آن غروب سرد / آفتاب گرم / مثل نارنجی / میان دست جنگل خفت / آفتاب آن لحظه / چون چشم شهیدان / سبز بود و سرخ / یادت هست؟ (همان: ۳۶۸-۳۶۹)

عنوان این شعر کوتاه «خاطره» است. اگرچه تنها کنش موجود در این شعر فعل خفتن است، مختصات روایت کلاسیک را در آن می‌توان دید. تقابل و درعین‌حال ملازمت آفتاب و غروب و تداعی طلوع، گرم و سرد و سبز و سرخ، رنگ نارنجی و جنگل وجوه نمادگرایانه‌ی این شعر کوتاه‌اند.

خورشید که برابرنهاد آن یعنی آفتاب در شعر آمده، در نمادگرایی مختصاتی چندوجهی دارد. خدایی، آگاهی، تفکر، منبع نور، گرما، زندگی، باران و نیز مرگ، نابودی و رستاخیز از جمله‌ی ویژگی‌های نمادین خورشید است. غروب خورشید همواره مرگ تعبیر می‌شود (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۲۰). گرما در ارتباط و همراهی با نور و در تقابل با سرما معنای نمادین تولد دوباره را تداعی می‌کند و با ارزش جنگاوری یک قهرمان ارتباط دارد (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۷۲۲-۷۲۰). نارنج نماد نیک بختی، بهروزی و باروری است و با اساطیر عشق و زایش

پیوند داشته است (موسوی و اسپرغم، ۱۳۸۹: ۲۳۳). رنگ نارنجی «نماد کشف و شهود است» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۳۸۰) و از این رهگذر با شهید ارتباط می‌یابد. جنگل نماد حرم است. محل آرامش و سبب خیر و برکت آسمان. اصولاً درخت در معنای نمادین علاوه بر زندگی، نشانه‌ی ربط و پیوند زمین و آسمان نیز بوده است (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۴۵۵). رنگ‌های سبز و سرخ بازی نمادین متناوبی دارند. سبز ارزش واسط بین گرمی و سردی و بالا و پایین را دارد. اطمینان‌بخش، تازه‌کننده و انسانی است. جاودانگی، امید و نیرو را تداعی می‌کند. سبز، رنگ آب و سرخ، رنگ آتش است و این دو رنگ، جوهر و هستی را فرا یاد می‌آورند. تعادل این دو رنگ موجب تعادل انسان و طبیعت است. فضیلت اسرارآمیز رنگ سبز آن است که دربردارنده‌ی رنگ سرخ است. در تمامی اساطیر، خدایان بهار از بیرون سبز و از درون سرخ‌اند. مکمل رنگ سبز و سرخ، دربار‌های خدایان عشق هم صادق است (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۵۱۷-۵۲۴). زمان اغلب با چرخش و حرکت دایره‌ای، مدار زندگی را توصیف می‌کند و با تمامی اشکال مدور، نمادین می‌شود. زمان بشری پایان‌پذیر و زمان الهی بی‌پایان است. این یکی نشانه‌ی زمانه و دوران است و دیگری نشانه‌ی جاودانگی (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ۴۵۶-۴۵۷).

در این شعر گویا سلمان خاطره‌ی تشییع یک شهید را تصویر کرده است. شهیدی که میان پرچم سه رنگ ایران پیچیده شده و در دست‌های انبوه تشییع‌کنندگان آرام گرفته است. سلمان از رنگ سفید در این شعر یاد نکرده است اما نوری که تمام تابلو را فراگرفته و از استعاره و ایهام آفتاب و شهید حاصل شده، می‌توان به جای رنگ سفید قرارداد. اجزای این تصویر با فراخوان انبوهی از سویه‌های نمادین و نیز با اشاره‌ای که به بینامتن قرآنی «انا لله و انا الیه راجعون» دارد، بیش از هر چیزی جاودانگی را تداعی می‌کند. آرامشی فراگیر، مختصات لحظه‌ای است که سلمان آن را به شکلی یادمانه‌گون، شیرین و ابدی ترسیم کرده است. پیکر شهید در نقطه‌ی طلایی این تابلو، نقطه‌ی اتصال زمین و آسمان است. گویا مائده‌ای آسمانی نازل می‌شود و یا قربانی زمینی عروج می‌کند. تولید مفاهیمی از این دست که در ساحت روایت قرار نداشته‌اند کارکرد رمزگان نمادین است.

برای رفوی پیراهن‌های پاره‌ی ما/ دوبیتی و اشک کافی بود/ سوزن که به دستش می‌رفت/ نه، بر جگرم می‌رفت (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

اشیاء به‌ویژه آنجا که به بدن نیز ارتباط می‌یابند وجوه دیگری از معانی نمادین را تولید می‌کنند. سوزن، دست و جگر هر یک معانی نمادین متعددی دارند. به‌ویژه دست و جگر که از آنها واژه‌های ترکیبی فراوان قاموسی نیز ساخته‌شده و معانی گوناگون تولیدشده است. این واژه‌ها در تحلیل‌های روانشناسانه نیز می‌توانند به تولید معنا منجر شوند. قدرت، جرأت، خشم و اضطراب را در هر دو واژه می‌توان یافت. شاعر اشک‌های مادر را معادل سوزن گرفته است. درد در هر دو گونه‌ی جسمی و احساسی در شعر امکان تولید معنا دارد. همزمان سوزن در شعر جایگاهی یافته که تداعی‌کننده‌ی صبر و البته ضعف و یا ضعف بینایی و نیز ضعف اعصاب مادر می‌تواند باشد. زاویه دید راوی معانی دیگری را نیز تولید می‌کند. به‌ویژه الحاق واژه‌ی دوبیتی به شعر، کودک را به گذشته‌ی دور می‌برد. شاید به لایه‌های مادر با زمینه‌های احساسی و مضامین عاشقانه و مذهبی، به آرامش و حمایت. پیراهن را نیز می‌توان به نمادهای این ابیات اضافه کرد. پیراهن نماد حمایت است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۶۹)؛ اما تصویری که شاعر با پیراهن تولید کرده محرومیت مادی و انزوای شدید را حکایت می‌کند. تقابل‌های دوگانه‌ای همچون حمایت و محرومیت، صبر و اضطراب، قدرت و ضعف و جسم و احساس در این ابیات حامل و مولد معانی ضمنی هستند. همان‌گونه که دیده می‌شود تولید معنا در روایت از طریق کاربرد و کارکرد رمزگان‌ها رابطه‌ای پیوسته است که در آن به‌طور مداوم معانی کشف‌شده به مصرف می‌رسند و با رمزگذاری‌های پی‌درپی بازتولید می‌شوند.

بارت در پاسخ به سؤالی در مورد جایگاه هر یک از رمزگان‌ها می‌گوید: رمزگان هرمنوتیک و رمزگان کنش‌روایی بر سه دسته دیگر سلطه دارند چراکه خط و مسیر داستان یا به‌عبارت‌دیگر منطق داستان را پیش می‌برند. سه رمزگان دیگر به سهم خود به کار می‌آیند و دست‌کم می‌توان گفت که در روش خواندن امروزی، رمزگان نمادین اهمیت بیشتری یافته است (احمدی: ۱۳۸۸: ۳۴۱).

۵. ۶. رمزگان فرهنگی (ارجاعی)

سلمان در شعر «برادری» با بیانی مستقیم و ساختی زیبا و روایی با بهره‌گیری از رمزگان فرهنگی باورهای انسانی خود را چنین سروده است.

یک کبوتر سیاه / یک کبوتر سفید / در کنار هم / با دو قلب گرم / با دو دست مهر / روی ناودان
خانه گلی ما / لانه‌ای درست کردند (هراتی: ۱۳۸۰، ۳۷۵)

مخالفت با نژادپرستی پیامی است که سلمان با تأویل رویدادی روزمره در این روایت به دنبال طرح و انتقال آن است.

آه ای کبوتر سفید من! / کاش مردمان روزگار ما / چون تو / یک دل سپید و ساده داشتند / آی
کودکان ساده‌ی سیاه / چه می‌کنید / من دلم برایتان گرفته است (همان: ۳۷۶)

در شعر سلمان اندیشه‌های دینی و آیینی، عناصر طبیعی و فرهنگ بومی و نیز پرسش‌های سهمناک آفاقی و انفسی، نمودهای این رمزگان می‌توانند باشند. بینامتنیت^{۱۹} در این رمزگان نمود فراوانی دارد و از همین رهگذر فرایند تأویل نیز گسترش‌پذیر تر خواهد بود. کریستوا (۱۹۸۰: ۶۹) متن را حاصل عمل دو محور می‌داند: یک محور افقی که نویسنده و خواننده‌ی اثر را به هم مربوط می‌کند و یک محور عمودی که متن را به متون دیگر متصل می‌سازد (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۷۹). بر این اساس، ارجاعات آشکار و پنهانی که در متن وجود دارد در واقع، نتیجه‌ی تأثیر نویسنده از متون و نویسندگان پیشین خواهد بود و غنای بینامتنی اثر، بر آگاهی‌های گوناگون نویسنده دلالت می‌کند. علاوه بر این «هر پیش‌متنی که بر متن اصل اثر می‌گذارد، فرهنگ خود را هم به آن متن منتقل می‌کند» (گودرزی لمراسکی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). بینامتن و به‌ویژه در شکل دینی و مذهبی آن در شعر هراتی نمودهای قابل توجهی دارد.

با آخرین نفس / بوی غریب پرسش فردا را / در خانه ریخت / آنگاه بی‌درنگ / مادر بزرگ من / در
جامه‌ای به رنگ سرانجام / پیچیده شد / بوی کبود مرگ / ما را احاطه کرد / ما چند لحظه‌ای / در
کوچه‌های سرد سرانجام خویشتن / در ترس و اضطراب / فروماندیم / ای کاش «عاقبت» / یک
جاده بود / یک جاده‌ی بلند که هر روز / ما عابران گیج و مقصر / از روی احتیاج در او گام می‌زدیم
(هراتی ۱۳۸۰: ۲۷۰).

¹⁹ /intertextuality

اسطوره‌ی مرگ و بوی غریب پرسش فردا حیرانی همیشگی بشر بوده و هست. هم‌نشینی ایهام- گونه‌ی این پرسش در نگاه کودکی که داستان را روایت می‌کند و شاعری که در کار توسعه‌ی معنا از طریق بسط رمزگان در متن است از یک سو و نگاه بسیط و زمینی کودک و دیدگاه فطری و آسمانی شاعر به مرگ از دیگر سو و رمزگذاری این هم‌نشینی با تعبیراتی همچون جامه‌ای به رنگ سرانجام، ترس و اضطراب، ابران گیج و مقصر، جاده و عاقبت، تأویل‌هایی را به همراه می‌آورد که حاصل پیوندها و ارتباطات درونی این تأویل‌ها و تعامل بین متن و بافت فرهنگی است. حضور پررنگ بینامتن در این شعر فرایند تأویل را در ساحت وسیع‌تری امکان‌پذیر می‌کند. راز مرگ همواره وجهی مضطرب‌کننده داشته و با توصیف‌ها و تصویرهای ترسناک همراه بوده است. این ترس و اضطراب به‌نوعی مقاومت در مقابل تغییر و اجتناب از شکل ناشناخته‌ای از هستی و نماد تغییری عمیق است که در انسان پس از سرسپاری و تسلیم، به وقوع می‌پیوندد (ر.ک: شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۷). رنگ سیاه کبود، نشانه‌ی درد، دغدغه، غم، جهل، اغتشاش، بی‌نظمی و مرگ است و در ذهن و روان، حالت کدورت، ضخامت و سنگینی را متبادر می‌کند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ۶۹۲). تقابل سفید و کبود، ملازمت کبودی با ترس، اضطراب، گیجی و تقصیر، سرعت گذر زمان و القای کوتاهی زمان بین لحظه‌ی اکنون و سرانجام و نیز حس نامعلومی که از واژه‌ی عاقبت تولید می‌شود، مؤلفه‌هایی هستند که در بافت فرهنگی در گستره‌ی وسیعی وجود دارند. علاوه بر این سلمان به گواهی شعرش در فردیت خود، از مرگان‌دیشی گذر کرده و به مرگ‌آگاهی رسیده است. شعر او به گونه‌ای تبلور بن‌مایه‌های استوار این آگاهی است.

۷. نتیجه‌گیری

- کنش‌ها و توالی آنها در روایت‌های شعری سلمان هراتی بستری آرام برای جانمایی پی‌رفت‌هاست. سلمان با مقدمه‌چینی لازم و در برخی موارد ارائه‌ی پیش‌آگاهی‌هایی پیرنگ روایت‌های کوتاه و بلند خود را ترسیم کرده است. زمان و مکان اگرچه تا حدودی معلوم است قابلیت تعمیم دارد. کشمکش‌هایی که بین شخصیت‌های روایت دیده می‌شود عموماً قواعد، هنجارها و ناهنجارها و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را در جامعه

هدف‌گیری کرده است. زاویه‌ی دید در غالب اشعار مورد‌پژوهش از آن کودکی است که شاعر شده است.

- شگردهای تعلیق روایی و خلأ هرمنوتیک که طرح پرسش و معماهای متن و نیز پاسخ به آنها را امکان‌پذیر می‌کنند در شعر هراتی قابل تطبیق‌اند. شعر هراتی علی‌رغم سادگی بافتار، گفتمان‌هایی را دنبال می‌کند که دست یافتن به آنها فراوری و تأویل متن را می‌طلبد. در شعر سلمان نموده‌های فراوانی وجود دارند که شهید، روستا، مدرسه و طبیعت را تصویر و یا تداعی می‌کنند. فرایندی که تلفیق، فراخوانی معنای نمادین و بررسی هم‌نواپی‌ها، تضادها و تقابل‌های این نمودها طی می‌کنند در واقع طرح معما و کشف پاسخ آن را که کارکرد رمزگان هرمنوتیک است به دنبال دارد.
- شعر سلمان هراتی در شخصیت‌پردازی به‌گونه‌ای موفق از رمزگان معناشناسانه بهره برده و ویژگی‌های خصلت نما و روان‌شناسانه را در راستای معرفی و رونمایی از تیپ‌های مختلف شخصیتی و به دنبال آن کشف، تولید و بازتولید معنای ضمنی می‌توان استخراج کرد. علاوه بر شخصیت‌ها، اشیاء و مظاهر طبیعت بی‌جان و نیز گیاهان و جانوران چه از طریق بعد نمادین و نشانه‌ای و چه در ساحت معانی قاموسی، دلالت‌ها و معانی ضمنی را سبب می‌شوند.
- حضور پررنگ طبیعت و نزدیکی به حال و هوا و زاویه دید کودک سبب شده است که نماد در شعر سلمان عرصه‌ی عمل قابل‌توجهی داشته باشد. تقابل‌های دوگانه‌ای که در شعر هراتی از طریق تضاد، ترکیبات پارادوکسی و نیز ژرف ساخت معنایی دیده می‌شود، در فضای ساده و بکر شعر او به گونه‌ای جا گرفته است که تولید معنا در محیطی نزدیک به فکر و ذهن او را امکان‌پذیر می‌کند.
- تأویل رویدادهای روزمره، تجربه‌های دوران زندگی، جهان‌بینی، فرهنگ و طرز تفکر شاعر و سایر شخصیت‌ها در روایت به ویژه در کارهای شاعری که با گستره‌ای وسیع از مضامینی همچون جنگ و مقاومت، اختلاف شدید طبقاتی در جامعه، تحولات مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و آرمان‌های تحقق‌یافته و مغفول مانده آن مواجه بوده و به

آرمان‌های آن متعهد است، سبب تولید رمزگان‌های گوناگون شده و گفتمان‌های بنیادین شعر او را با وضوحی قابل توجه بازتاب داده است.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۳۶). ترجمه ابولقاسم پاینده. تهران: جاویدان.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). *ساختار و تأویل متن*. چ ۱۱، تهران: مرکز.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷). *عناصر داستان*. ترجمه‌ی فرزانه طاهری. چ ۱. تهران: مرکز.
- آسابرگر، آرتور. (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان کاربردی فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره*. ترجمه‌ی حسین پاینده. چ ۱. تهران: مروارید.
- آلگونه جونتقانی، مسعود. (۱۳۹۵). *اومبرتو اکو و بنیان نشانه‌شناختی تأویل. نقد و نظریه ادبی*. سال اول دوره‌ی اول. شماره ۱. صص ۲۳-۴۷.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). *رولان بارت*. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
- ۳ بارت، رولان. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*. ترجمه‌ی محمد راغب. تهران: فرهنگ صبا.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۹). «*نشانه‌شناسی نظریه و روش*». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال پنجم. شماره ۴. صص ۷-۳۹.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه‌ی مهدی پارسا. چ ۱. تهران: سوره مهر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه‌ی دهخدا*. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۰). *ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی*. چ ۲. تهران: سوره مهر.

_____ (۱۳۷۷) درآمدی بر نشانه‌شناسی. *فارابی*. شماره ۳۰. صص ۲۱۲-۲۳۱.

_____ (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چ ۲. تهران: علم.

سوسور فردینان. ۱۳۹۲. *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه‌ی کورش صفوی. چ ۴. تهران: هرمس.

شوالیه، ژان؛ گبران، آلن. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه‌ی سودابه فضاییلی. چ ۲. چ ۱. تهران: جیحون.

- _____ (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*. ترجمه‌ی سودابه فضاییلی. ج ۳. چ ۱. تهران: جیحون.
- _____ (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*. ترجمه‌ی سودابه فضاییلی. ج ۴. چ ۱. تهران: جیحون.
- _____ (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها*. ترجمه‌ی سودابه فضاییلی. ج ۵. چ ۱. تهران: جیحون.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۳). *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*. چ ۱. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفیئی، کامبیز؛ سلامی، مسعود. (۱۳۹۰) توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانه‌ی رولان بارت با نمونه‌ی عملی از نمایشنامه‌ی فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات. *مطالعات نقد ادبی*. شماره ۲۴. صص ۱۳۴ تا ۱۵۲.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). امبرتو اکو و نشانه‌شناسی. *کتاب ماه ادبیات و فلسفه* شماره ۸۹ و ۹۰ صص ۷۸-۸۳
- علی پور، منوچهر. (۱۳۸۸). *سلمان هراتی (مشاهیر ایرانی ۳۶)*. تهران: تیرگان.
- کریمی، فرزاد. (۱۳۹۴). تحلیل نقش رمزگان در روایت‌مندی شعر نو ایران. *مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*. دانشگاه محقق اردبیلی. صص ۳۹۱-۴۰۴.
- گودرزی لمراسکی، حسن. (۱۳۹۱). بینامتنیت در شعر صلاح عبد الصبور. *زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)* سال سوم. شماره ۶. صص ۱۳۵-۱۵۴.
- محمدی فشارکی، محسن؛ خدادادی، فضل‌الله. (۱۳۹۷). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات روایت شناسی*. چاپ اول. تهران: سوره مهر
- مکوئیان، مارتین. (۱۳۸۸) *گزیده‌ی مقالات روایت*. ترجمه‌ی فتاح محمدی. تهران: مینوی خرد.
- موسوی، مصطفی؛ اسپرغم، ثمین. (۱۳۸۹). نقد اسطوره‌شناسی قصه‌ی دختر نارنج و ترنج. *نقد ادبی*. سال سوم. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۲۳۳-۲۵۵.
- هراتی، سلمان. (۱۳۸۰). *مجموعه‌ی کامل شعرهای سلمان هراتی*. چ ۱. تهران: دفتر شعر جوان.

Code Analysis of Narrative Elements in Children's Poems by Salman Harati

Seyed Asghar Musavi ·Ph.D. student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Neyshabur branch
musavi.seyed@yahoo.com

Akbar Shabani · Assistant Professor, Persian Language and Literature, Neyshabur Unit, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran
(corresponding author)
shabany_akbar@yahoo.com

Batul Fakhreslam· Assistant Professor, Persian Language and Literature, Neyshabur Unit, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran
Bt_Fam12688@yahoo.com

Parvin Dokht Mashhoor· Assistant Professor, Persian Language and Literature, Neyshabur Unit, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran
p_d_mashhoor@yahoo.com

Semiology is a knowledge that studies the sign systems, the process of interpretation, meaning and the truth hidden behind the codes, signs and symbols. This knowledge has considerable applications and functions in various areas of human relations. Literature, including children's literature is one of the most important of these areas. Using Roland Barrett's views, the present study tried to analyze the children's poems of Salman Harati with an analytical-descriptive method. The results show that Harati's poetry, due to its reference to various fields of natural and ideological elements, pristine, simple and intimate nature, outstanding temporal and spatial coordinates, as well as the scope of social themes and idealistic discourse, is able to produce various codes, and consequently various meanings and interpretations. Although these characteristics are directly related to the reader's abilities, they show that when assessed by the interpretation mechanisms of codes and

analysis of other semiotic elements, Harati's poetry has a structured and thoughtful semantic structure. The action and effect of the logic of conversationalism in his poetry is another factor that provides the reader with space and the possibility of reproducing content in the process of semiotics and innertext and outertext interpretations. The narrative in Salman's poetry, as an integration factor of vertical axis, has produced a variety of codes. This process, with regard to the remarkable manifestation of the codes of narrative, hermeneutic and symbolic action, demonstrates the narrative capacity and the signifier nature of his poetry. Meta-exemplar implications in Harati's poetry cause objective and clear associations and effectively involve metatext in the interpretation and analysis of signs.

Keywords: Semiotics, Narrative, Codes, Children's Poetry, Salman Harati